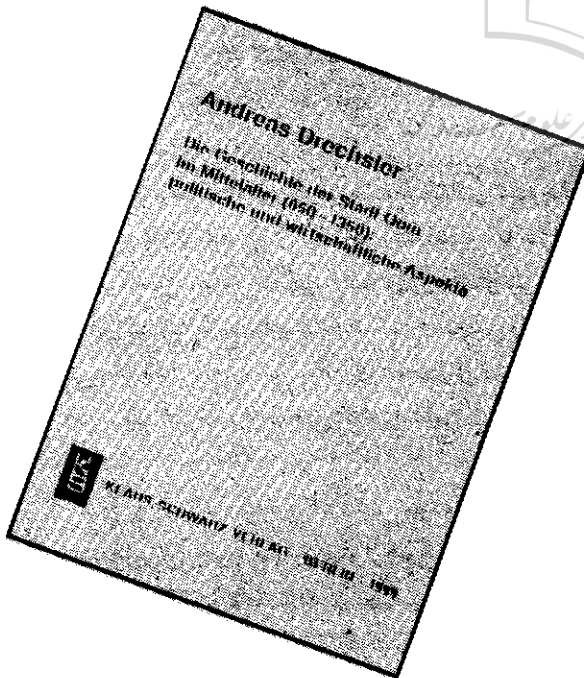


تاریخ قم در قرون میانه

(ابعاد سیاسی و اقتصادی)

Andreas Drechsler

ترجمه 'سجاد جعفریان



Andreas Drechsler, Die geschichte der Stadt Qom im Mittelalter (650 - 1350): politische und wirtschaftliche Aspekte. KLAUS SCHWARZ VERLAG, BERLIN, 1999. 378 p.

یادآوری: کتاب حاضر، همان گونه که از نامش آشکار است، درباره تاریخ قم در فاصله سال های ۳۰ تا ۷۵۱ هجری یعنی آغاز ورود اسلام در منطقه جبال و از جمله قم تا پایان سلسله ایلخانی در ایران است. این اثر به زبان آلمانی نوشته شده و در انتهای آن خلاصه ای از کتاب به انگلیسی درج شده است.

متنی را که ملاحظه می فرمایید ترجمه همان خلاصه انگلیسی است که توسط خود مؤلف نوشته شده و حاوی اهم نکاتی است که وی در این کتاب بررسی کرده است.

اثر حاضر در مورد تاریخ شهر قم (شهری در ۱۵۰ کیلومتری جنوب تهران) از نخستین روزگاری که نامی از آن در تاریخ آمده تا سال ۱۳۵۰ م / ۷۵۱ ق است. البته تمرکز اصلی کتاب روی فاصله زمانی میان اولین حضور اعراب در منطقه در سال ۶۴۴ (سال ۲۳ هجری یا سال فتح جبال) تا اواخر حکومت سلسله ایلخانان در سال ۱۳۵۰ میلادی خواهد بود.

این اثر در چهار بخش تنظیم شده است:

۱. منبع شناسی تاریخی،
۲. دوره پیش از اسلام،
۳. تاریخ سیاسی سال های ۶۵۰-۱۳۵۰،
۴. جغرافیای اقتصادی قم.

یک. منبع شناسی

در این بخش ابتدا درباره امکانات و محدودیت های چنین آثاری به لحاظ تاریخی بحث می شود. با وجود این که همه شهرهای ایران در دوران میانه، تاریخ مخصوص به خودشان را دارند، اما بسیاری از آنها از بین رفته اند و قسمت های باقیمانده بیشتر روی جنبه های مذهبی و گزارشاتی در مورد علمای محلی تمرکز دارند. اما برخلاف آنها کتاب تاریخ قم اثری است با ساختاری بسیار عالی و یکی از آثار منحصر به فرد در میان تواریخ محلی است. هر چند این اثر با یک منبع جامع فاصله زیادی دارد، اما

در مقایسه با آثاری که در دیگر شهرها وجود دارد، به نسبت، اطلاعات بیشتری به دست می‌دهد. بنابراین از دوره قبل از تألیف کتاب تاریخ قم در سال ۹-۹۸۸ / ۳۷۸ نمای جامعی همراه با جزئیات در مورد تاریخ این شهر در دست است. از آن به بعد به خاطر فقدان منابع اسلامی مشهور، چندان حجم وسیعی از اطلاعات مشابه آنچه در تاریخ قم آمده، موجود نمی‌باشد.

با در اختیار داشتن اطلاعات کتاب تاریخ قم می‌توان به چند موضوع به عنوان نمای اصلی و ارزشمند تاریخی اشاره کرد: دوران فتح موقت و نخست و فتح دوم (همراه با خشونت) منطقه توسط بازماندگان فاتحان اولیه در ادامه آن، گسترش شهرنشینی، شورش‌های مختلف ضد مالیاتی به دلیل سنگینی و وسعت مالیات‌ها (به صورت مکرر)، از بین رفتن اعتبار و قدرت خلافت و ترکیب شدن با سلسله‌های حاکم بر مناطق غربی ایران، بهبودی اوضاع در لوای دولت آل بویه در زندگی خود نویسنده تاریخ قم، کامیابی نسبی شهرنشینی طی حکومت سلجوقیان و روزه بهبودی گذاشتن اوضاع پس از قتل عام‌های مغولان و در عصر ایلخانان.

همچنین در مورد دوران پیش از ظهور اسلام بحث‌هایی در کتاب تاریخ قم شده است.

هر چند اهمیت قم به اندازه مراکز شهری بزرگ دیگر در قسمت‌های ایران قبل از ظهور اسلام نبوده است، با این حال می‌توان گفت که قم و مناطق حومه آن از زمان‌های بسیار دور ساکنانی داشته است.

همچنین اهمیت ویژه‌ای به وضعیت اقتصادی شهر داده و در کتاب تاریخ قم به تفصیل از آن سخن رفته است. به سؤالاتی در مورد سیستم پیچیده مالیاتی، آبیاری و زراعت نیز به طور کامل در این کتاب پاسخ داده شده است. همچنین وضعیت اجتماعی را تا اندازه‌ای بررسی کرده است. معماری کلی شهر قم در قرن دهم نیز هر چند به سختی اما بر اساس آن کتاب قابل تجسم است.

کتاب تاریخ قم با وجود این که بسیار سودمند است، اما در بعضی جنبه‌ها و از برخی لحاظ گرفتار از هم گسیختگی و انقطاع است و شکاف‌هایی در داستان‌های تاریخی آن وجود دارد که قابل پر شدن نیست. در ادامه بخش کوتاهی از منابع فراوانی که در این اثر از آنها استفاده شده، معرفی و با توجه به مضامین آنها به منابع تاریخی، جغرافیایی، مذهبی، زندگی‌نامه‌ای و نامه‌های جذاب تقسیم شده‌اند.

یک ضمیمه کوتاه نیز در مورد ریشه کلمه قم و نظریه‌های ریشه‌ای که درباره آن وجود دارد، ارائه خواهد شد.

دو. تاریخ سیاسی

در نخستین قسمت این بخش، بحث درباره تاریخ پیش از ساسانیان قم خواهد بود. جدا از ردپاهای مختصری از تواریخ اولیه، مهم‌ترین آثار تاریخی قم به دوران سلوکیان و اشکانیان بر می‌گردد. ویرانی شهر خوره در هفتاد کیلومتری جنوب غربی شهر قم مهم‌ترین اثر باقی مانده از این زمان است که از یک بحث جدال‌انگیز و قدیمی نشأت می‌گیرد. گروهی، این شهر را معبد ساسانیان، عده‌ای معبد افسانه‌ای سلوکیان و برخی آن را از مجموعه امپراطوری اشکانیان دانسته‌اند. در میان تحقیقاتی که در این اواخر شده است، مقالاتی از کلیس وجود دارد، کسی که آن را کاخ اشکانیان می‌داند. جایگاهی در نزدیکی شاهراهی بزرگ که تا اواخر دوره ساسانیان هم از آن استفاده می‌شده است. به تازگی «حکمی» نتایج تحقیقات و کاوش‌های یک ایرانی در سال ۱۹۹۵ را چاپ کرده است و در ادامه آن رساله‌ای قدیمی در مورد بنای مذهبی سلوکیان را آورده است. به غیر از خوره اطلاعات و آثار کمی در مورد این منطقه وجود دارد. از جمله چهار سرپارتی که در نزدیکی قم پیدا شده است. ذکر دو نام احتمالاً یونانی که در دو اثر جغرافیایی بسیار قدیمی یعنی Tabula Peutingeria و Ptolemy آمده - و گفته می‌شود خطاب به قم است - در حاله‌ای از ابهام باقی مانده است.

در دومین قسمت از این بخش در مورد دوره ساسانیان بحث شده است. دوره‌ای که یافته‌ها و آثار باستان‌شناسی زیادی دارد. زیباترین عمارت باستانی آن دوره، قلعه دختر در قم است که پیشتر گفته می‌شد برای اهداف مذهبی از آن استفاده می‌شده است، اما تحقیقات اخیر نشان داده است که از آن استفاده اداری می‌شده است. حومه پهناور قم همچنین نشانه‌های بی‌شماری از کاخ‌ها و ساختمان‌های مذهبی، نظامی و اداری دارد. در ادامه مراجع آنها در منابع مختلف فهرست شده است.

کتاب تاریخ قم از آتشکده‌های زیادی در منطقه شهری قم فعلی و حومه آن رایاد کرده است. این کتاب و منابع دیگر همچنین در مورد هویت تاریخ واقعی قم در دوره ساسانیان صحبت کرده‌اند. آنها در مورد تسخیر قدرت توسط اردشیر اول و سقوط امپراطوری ساسانی که به کرات در ذمایدالارباب و تاریخ ابن اعثم کوفی از آن یاد شده است، نیز مطالبی را بیان کرده‌اند.

ابوموسی اشعری را مورد بحث قرار می دهد. این منطقه به مدت طولانی (شصت سال) پس از فتوح اولیه تسخیر ناپذیر باقی ماند. احتمالاً این منطقه تحت سیطره اصفهان بوده و از آن جا کنترل می شده است.

اولین اسکان دائمی ساکنان عرب در قم در زمان شورش مختار ثقفی و مطرف بن مغیره بن شعبه (۶۹۶-۶۸۵) و در حالی که گروه های کوچک مهاجران به آنجا رفتند، اتفاق افتاد؛ در حالی که خود قم در آن زمان درگیر نبردهایی میان امویان و شورشیان بود.

گام اصلی برای گسترش شهری قم بعدها در زمانی که گروهی از اعراب اشعری به منطقه آمدند، برداشته شد؛ زمانی که آزار و اذیت های عمومی دولت بنی امیه، بعد از شورش ناموفق ابن اشعث در ۷۰۲/۸۳ اعمال می شد و با شکنجه افرادی خاص توسط حاکم فاسق عراق حجاج بن یوسف ثقفی، بعد از کشته شدن پسر عموزاده آنان در سال ۷۱۳/۹۵ برداشته شد.

اشعری ها در اصل یمنی بودند و مهم ترین شخصیت این خاندان همان فاتح قم یعنی ابوموسی اشعری بود. عبدالله بن سعد و احوص بن سعد که نوادگان برادرزاده ابوموسی اشعری بودند، وظیفه راهنمایی مهاجران اشعری را از کوفه به قم بر عهده داشتند. دلیل مهاجرت آنان به طور کامل روشن نیست. تقریباً تمامی منابع بر آن هستند که آنان مجبور به مهاجرت شده اند؛ به آن دلیل که در شورش ابن اشعث در سال ۷۰۲ شرکت کرده بودند. کتاب تاریخ قم، داستان اجبار اشعریون برای ترک کوفه بعد از کشته شدن پسر عمومی آنها در سال ۷۱۳، از لحاظ زمانبندی تاریخی غیر ممکن می داند، اما سه نقل قول مختلف در مورد مهاجرت آنها ارائه می کند. همچنین رویدادهایی که در حاشیه مهاجرت اشعری ها به قم در همین تاریخ قم در چهار روایت مختلف نقل شده است. تلفیقی از این نقل قول های مختلف از ترک عراق و رسیدن به منطقه قم در ادامه آورده شده است؛ هر چند که دلیل اصلی مهاجرت آنان را همچنان نمی توان به دقت دریافت.

از جمله حوادث مهم دیگر جنگ پیروزمندانه ساکنان عرب این منطقه در برابر دزدان مهاجم دیلمی است که احتمالاً چند سال بعد از ورود آنها اتفاق افتاده است و به انتقال روستای ممجان از دست حاکم اصیل زرتشتی آنجا یزدانفازار به دست عبدالله و احوص در سال ۷۱۸/۱۰۰ منجر شد. این روستا در مناطق قم امروز بوده و در آن زمان روبروی مرکز منطقه، یعنی ابرشتقان بوده و بنابراین محلی برای حفاظت از ایرانیان و دیگر روستاهای نزدیک به شمار می آمده است. از آنجایی که اعراب برای چراندن گله های گاو بزرگ خود نیاز به چراگاه های بیشتری

وجود زندگی شهری در دوره ساسانی مسئله ای است که بیشتر در منابع میانه فارسی (منابع ادبی، تصویری و نامه ها) به آن اشاره شده است که نام های گادمان (Godman)، گومان (Goman) و ایران وینارد کواد (winard Kawad Iran) را که در آنها ذکر شده است، می توان قم فعلی دانست.

با مطالعه تاریخ پیش از اسلام قم می توان به طور خلاصه گفت که قم پیش از اسلام، تاریخ طولانی و پرسندی با آثار قابل توجهی از دوره اشکانیان داشته که نشان می دهد این شهر به عنوان یک واحد اداری کوچک در طول حکومت ساسانیان مورد استفاده قرار می گرفته است و چندین بار صحنه وقایع مهمی در تاریخ ایران بوده است. ساختار شهری قم در دوره ساسانی را می توان با ساختار شهری مثل مدینه مقایسه کرد که شامل چندین روستا و چند شهر کوچکی بوده است که با فواصل اندک و با داشتن مواضع دفاعی با قم در ارتباط بوده اند.

منابع تاریخی قم و به خصوص تاریخ قم همگی در مورد هویت اسطوره ای و آمیخته با افسانه قم اتفاق نظر دارند. این نوشته ها نشان می دهد که اعراب میراث افسانه ای غیر اسلامی موجود در قم را پذیرفته بودند و از آن به عنوان نشانی از نوعی امتداد تاریخی استفاده می کردند. همچنین نشان دهنده حضور قدرتمند همین افسانه های پیش از اسلامی در قرن دهم میلادی است که تا قرن چهاردهم نیز ادامه پیدا کرده است.

سه. تاریخ سیاسی قم از ۶۵۰ تا ۱۳۵۰

جریان واقعی و حقیقی فتح قم توسط اعراب را نمی توان به روشنی تبیین کرد. نخستین تسخیر سطحی قم بر طبق گفته بلاذری در سال ۶۴۴ / ۲۳ هجری توسط ابوموسی اشعری اتفاق افتاده است.

همچنین طبق گفته وی، ابوموسی اشعری مسیر اشتباهی را در پیش گرفته بود. علاوه، این که مدافعان اصلی قم چه کسانی بوده اند، روشن نیست. منبعی دیگر - ابن اعثم کوفی - فتح قم را به عروبة بن زید نسبت داده است؛ هر چند این ادعا در مقایسه با نظر بلاذری که از جانب بیشتر مورخان پذیرفته شده کمتر محتمل به نظر می رسد.

بخش بعدی اسکان حقیقی اعراب در منطقه توسط خاندان یمنی

داشتند و با توجه به این که بسیار متمکن تر از فارس ها بودند، کم کم شروع به خریدن زمین و تصاحب روستاهای بیشتری کردند. گام اساسی برای کنترل منطقه بعد از حذف طبقه محلی و اصیل فارسی به دنبال مرگ یزدانفازار در سال ۷۳۳/۱۱۵ که خود به دنبال بالا گرفتن درگیری های اجتماعی میان ساکنان جدید و فارس ها اتفاق افتاد، برداشته شد.

بعد از کشته شدن خانواده اصیل فارسی، اعراب بیشتری به منطقه مهاجرت کردند. ذخیره آب طبق معاهده ای صورت می گرفت که بین ساکنان منطقه امضا شده بود و آب از طریق رودخانه قم تأمین می شد.

مهاجرت و اسکان و ساختمان سازی های متعاقب آن در دو نسل بعد از نخستین مهاجرت اعراب، منجر به ترکیب شش روستای اصلی منطقه قم و تبدیل آن به یک ساختار شهری شد که ساخت قنات آبیاری، استحکامات، یک مسجد جمعه و یک بازار نیز با آن همراه بود. در آغاز قرن نهم، قم تمام معیارهای یک «شهر» را داشت. در ادامه، شهر و ایالت توسط مقامات عباسی در سال ۸۰۴ به رسمیت شناخته شد و به صورت مستقل از طریق اصفهان اداره می شد.

در مقایسه با دوران اسکان اعراب و تسلط رو به رشد آنها، دوران های بعدی بسیار متفاوت بود. از آنجایی که منابع صرفاً بر نقل حادثه های پراکنده و منفرد تمرکز کرده بودند، نتوانسته اند سیر تاریخی دنباله دار را در این شهر به دست دهند. با این حال پنج مرحله متفاوت در تاریخ این شهر قابل تشخیص است:

اولین مرحله با مشخصه جدایی اداری از اصفهان (در سال ۸۰۴/۱۸۸)، فوت فاطمه معصومه (س) در شهر (۸۱۶/۸۱۷) و شورش علیه مالیات در سال های ۸۲۵-۸۲۶/۲۱۰ از دیگر مراحل مشخص می شود.

مرحله دوم تا شروع تسلط دیلمیان - آل زیار - ادامه پیدا می کند (۹۲۸-۹۲۹/۳۱۶) و این مرحله با ساخت مسجد جامع بزرگ و پیروزی یک مکتب جدید از شیعه سنت گرا مشخص می شود. حکومت آل بویه مشخصه اصلی مرحله سوم است که با افت شهر در پایان قرن دهم نیز همراه بود.

حکومت ساکت و نسبتاً بدون جنجال سلجوقیان مرحله چهارم را مشخص می کند؛ زمانی که یک مسجد دیگر در شهر ساخته شد. در پایان این دوره، ایلدگرها و خوارزمشاهیان برای مدتی کنترل شهر را در دست گرفتند.

مرحله پنجم در اختیار فتح مرگبار و فجع شهر توسط مغولان در سال (۱۲۲۴/۶۲۱) است که البته مرحله نسبتاً رو به رشد را در پایان حکومت ایلخانان نیز شامل می شود.

دوره ای که از استقرار اعراب تا استقلال اداری از اصفهان می باشد، با استقرار مذهب شیعه به عنوان نیروی اصلی در شهر و قیام عباسیان مشخص می شود. اما منابع همچنین وجود گروه های سنی و گزارشاتی مبهم در مورد اسماعیلیان و بدعت گزاران یهودی را نیز آورده اند.

در دنباله آن در مورد فرایند جدایی اداری شهر و منطقه که در سال (۸۰۴-۸۰۵/۱۸۹) توسط هارون الرشید اتفاق افتاد، بحث می شود. هارون الرشید به درخواست یک قمی و یک اصفهانی (در مورد فرد قمی برای خلاص کردن قم از آزار و اذیت اصفهانی ها و در مورد فرد اصفهانی، برای حفظ اصفهان از اندیشه مالیات ناچیزی که از قمی ها گرفته می شد) دست به این اقدام زد. جدا از نام حاکمان اول و تعیین مالیات های آنها، آمدن سیاستمداران امام هشتم علی الرضا در سال ۸۱۶ در قم یکی از وقایع مهم این دوره است. البته این را که منابع شیعی اقامت امام را در قم رد کرده اند نمی توان به طور کامل غیر محتمل دانست. فاطمه معصومه خواهر امام در سال (۸۱۶-۸۱۷/۲۰۱) در حالی که به دنبال برادر خود به خراسان می رفت، در شهر قم درگذشت. محل دفن وی از سال (۸۹۶-۸۷۰/۲۸۳-۲۵۷) به صورت یک عمارت درآمد که بعدها طی گذر زمان تغییر کرد تا این که به حرم باشکوه امروزی تبدیل شد.

در سال (۸۲۵-۸۲۶/۲۱۰) یک اعتراض و شورش بزرگ بر ضد مالیات های مقرر از طرف خلفا فراگیر شد. این شورش به خاطر مخالفت خلیفه مأمون با کم کردن مالیات سالانه قم که در مورد شهری با آن موافقت شده بود، برپا شد. این شورش توسط یک اشعری با نام یحیی بن عمران و با این توجیه که مالیات نباید به یک حاکم نامشروع پرداخته شود، رهبری می شد. یحیی توسط نظامیان خلیفه کشته شد و شهر به شدت تنبیه گردید، و مالیات از ۲ میلیون درهم به ۷ میلیون درهم افزایش پیدا کرد. دو سال بعد دوباره هفتصد هزار درهم توسط حاکم اشعری، علی بن عیسی بر مالیات ها افزوده شد. ابن عیسی در نهایت به خاطر این که به شدت از طرف ساکنان قم مورد انتقاد بود، از کار برکنار شد. اما در سال ۸۳۳/۲۱۸ وی دوباره به سمت والی شهر تعیین و به زور مالیات های مقروض را که از طرف خلیفه مقرر شده بود، جمع آوری کرد. وی قسمت هایی از شهر قم را ویران

بن سلیمان از قم دیدن کرد و دو مالیات برای مردم تعیین شد. ادامه در مورد یکی از ویژگی های اداری قم است که در همان زمان به آن خاتمه داده شد و آن مسئله انتخاب مستقل قضات توسط اعراب ساکن در قم می باشد و تا زمان مکتفی (۹۰۸ - ۹۰۲ / ۲۹۶ - ۲۹۷) ادامه داشت. الحاق یک هیأت نمایندگی عرب - فارس به وزیر، حمید بن عباس، نشان دهنده پایان دوران ترقی موقعیت اعراب در قم می باشد.

پس از آن در مورد دوران حکومت عباس بن عمرو الغنوی (۹۰۹ - ۹۰۵) است که در نوع خودش به دلیل وجود شیعه غیر دوازده امامی در قم و پایه گذاری سازمانی متشکل از قهبنده به عنوان شکنندگان مالیات شهر، جالب توجه است.

در سال ۹۰۹ / ۲۹۷ حسین بن حمدان از جانب خلیفه مقتدر به عنوان حاکم شهر منصوب و مجبور به همراهی سپاه خلیفه در جنگ مقابل صفاریان در فارس شد. روی هم رفته وی به مدت دو سال تا قبل از این که به بغداد برگردد، قدرت را در دست داشت.

در سال های ۱۴ - ۹۱۳ تا ۹۲۷ / ۳۰۱ - ۳۱۵ یک مالیات دیگر نیز به قبلی ها اضافه شد (هشتمین مالیات)، که اختراعی بود از جانب خلیفه که سبب شد تا حاکمی جدید برای برآورده کردن خواسته های حکومت در منطقه منصوب شود. این حرکت باعث ایجاد ناامنی شد و تعادل قدرت را در منطقه ای که دو قدرت آن زمان (دیلمیان - آل زیار - و سامانیان) بر سر آن نزاع داشتند، بر هم زد. از آن زمان به بعد قم در حیطه جنگجویان دیلمانی قرار گرفت و از کنترل مستقیم دستگاه خلیفه خارج شد، هر چند که چند بار بین سال های ۹۲۸ - ۸۴۳ دست به دست شد. دیلمیان از طریق مالیات های بسیار سنگین به طور بی رحمانه ای شهر را استعمار کردند.

با استقرار محکم حکومت آل بویه از سال ۲ - ۹۵۱ / ۳۴۰ به بعد شرایط سیاسی کمتر از قبل در دسرساز بود، هر چند که وضع اقتصادی هنوز در حال رکود بود.

حوادث مهمی از سال ۹۸۹ / ۳۷۹ طی مدتی که شرایط سیاسی آرام بود، گزارش نشده است، اما جزئیاتی در مورد ساختار اداری و تعداد کمی از کارگزاران مالیات های محلی، حکومت سیاسی و مذهبی گزارش شده اند؛ از جمله اینکه قم به خاطر مکتب شیعه ای که بر آن حاکم بود، در میان شهرهای ایران منزوی شده بود. در همان زمان حرم معصومه (س) بزرگ تر شد و تعداد علویانی که در قم زندگی می کردند قابل توجه گشت. در سال ۹۸۴ / ۳۷۴ قم و حومه های آن تحت تأثیر یک شورش کردی قرار گرفت. در سال ۹ - ۹۸۸ قم در وضعیت متفاوتی به سر می برد. بسیاری از خانه های شهر مانند پل ها و آسیاب های

کرد و یکی از شورشیان را که دربار خلیفه به دنبالش می گشت، دستگیر و به آنها تحویل داد.

در بین سال های ۴۰ - ۸۳۹ تا ۲ - ۸۴۱ به خاطر شرایط آشفته، دو مالیات مختلف تعیین شده بود که مجموع آنها ۵ میلیون درهم بود.

نقل مکان یک راوی حدیث از کوفه به قم که احتمالاً در اواسط قرن نهم بوده است، نشان دهنده موقعیت رشد یافته قم به یک مرکز آموزشی می باشد. در همان دوران یک حمله نظامی دیگر در سال ۸۶۷ به رهبری مفلح ترک و به دنبال عدم اطاعت مردم در مورد پرداخت مالیات به شهر شد که طی آن گروهی از ساکنان قم قتل عام شدند. مفلح به مدت دست کم پنج سال حاکم قم شد. در دوران حکومت وی شخصیت های برجسته علوی به قم مهاجرت کردند و ارتباط نزدیک میان نماینده امام یازدهم شیعه در قم و دیگر قمیان گزارش شده است. احمد بن اسحاق که نماینده علویان بود در یک زمان، هم مسئول حرم فاطمه معصومه [س] و هم مسئول حمایت از حقوق علویان بود.

سال ۹ - ۸۷۸ / ۲۵۶ شاهد ساخته شدن اولین مسجد جمعه منظم شهر بود. البته اخبار ضد و نقیضی هم در مورد احتمال وجود یک مسجد جمعه قبل از آن وجود دارد. در سال ۲ - ۸۸۱ / ۲۶۸ قم توسط رهبر نظامی ترک ادگو تگین اشغال شد. او سعی کرد تا مالیات های عقب افتاده هفت ساله را بگیرد که این کار وی باعث نابودی تقریباً تمام کسانی شد که پرداخت این مالیات ها را تضمین کرده بودند. تقریباً مصادف با همان زمان اولین مکتب سنت گرای شیعه پیروزی خود را در شهر جشن گرفت. در سال (۸۹۳ / ۲۸۰) در نهایت تمامی منحرفین شهر - افراد متهم به غلو - توسط شیخ قم احمد بن محمد بن عیسی که یک اشعری بود، از شهر بیرون رانده شدند. احتمالاً یک سال بعد صوفی معروف عالم اسلام، یعنی حلاج در قم ساکن و در همان جا دستگیر شد. از سال (۶ - ۸۹۵ / ۲۸۲) به بعد تاریخ قم با خاندانی از رهبران نظامی ترک که از نظامیان ارتش خلیفه معتضد - کسی که حکومت بیرون را پایه گذاری کرد - بودند، پیوند خورد. در همان سال بیرون بک آتشکده بزرگ و به احتمال زیاد فعال را که در سرزمین شهر رو به رشد و در مقابل حرم حضرت فاطمه [س] قرار داشت، نابود کرد.

در همین دوران بدون ثبات سیاسی وزیر معتضد، عبیدالله

آن خراب شده بودند. جاده‌ها و کشاورزی از یک وضعیت ناامن رنج می‌بردند. این مشکلات را باید به شرایط اجتماعی سخت و مالیات‌های بیش از اندازه مربوط دانست.

موقعیت جغرافیایی قم در نقشه و همچنین موقعیت نژادی و مذهبی آن در آن زمان، موضوعی است که در ادامه به آن پرداخته شده است. هر چند که همه قسمت‌های شهر با هم رشد کرده بودند، اما شش روستای اصلی، توسط زمین‌هایی که از هم جدا شده بودند، از هم تشخیص داده می‌شدند. مرکز شهر در روستای ممجان که به دیگر قسمت‌های شهر در طرف دیگر رودخانه توسط چهار پل متصل بود، قرار داشت. حدود هشت میدان که مقام و موقعیت آنها قابل تشخیص نیست و نیز سه مسجد در شهر وجود داشت. همچنین اطلاعاتی در مورد مدارس در دست نیست. حرم می‌بایست هنوز به نسبت کوچک باشد، چرا که دو گنبد برای آن ذکر شده است. بازار و حمام (هایی) هم می‌بایست وجود داشته باشند و همین‌طور ساختمان‌های اداری (زندان، ضرابخانه). پنج جاده بزرگ‌تر و هشت جاده کوچک‌تر نشان‌دهنده عبور و مرور بالایی است که توسط حداقل سه و یا شاید حتی نه ورودی شهر حمایت می‌شده‌اند. جمعیت در حدود پنجاه هزار ساکن فارس و اعرابی که زبان نیمه فارسی را به عنوان زبان خود و بسیاری از آداب و رسوم اجتماعی فارس‌ها را قبول کرده بودند، تخمین زده شده است که احتمالاً سهم فارس‌ها در جمعیت بسیار کمتر از اعراب بوده است. گروهی کرد هم در روستاهای غربی زندگی می‌کرده‌اند.

قسمت اعظمی از شهر به مدارس حدیثی شیعیان دوازده امامی تعلق داشت و بسیاری از علمای مهم شیعه آن زمان از قم سربرافراشتند و یا در آن جا سکنی گزیدند (ابن بابویه، ابن قولویه، سعد بن عبدالله القمی و ...). در سال ۸۹-۹۸۸ / ۳۷۸، در حدود ۳۳۱ مرد از سادات در شهر قم زندگی می‌کرده‌اند که بعضی عنوان نقابت داشتند. همچنین از یک زن علوی مشهور در کنار فاطمه معصومه نام برده شده است.

این علویان از نسل امامان دوم، سوم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم و یازدهم بودند که با حقوق‌های مستمر حمایت می‌شدند.

جدا از مسیر اصلی شیعیان، گروه‌های دیگری از شیعیان هم بودند که در شهر زندگی می‌کردند و همچنین می‌توان گفت که سنیانی هم در شهر بودند. پرداخت جزیه نشان می‌دهد که زرتشتیانی هم در شهر بوده‌اند؛ هر چند تعداد آنها را تا پایان قرن سوم هجری به زحمت می‌توان به چند هزار نفر تخمین زد. در قرن چهارم تعداد آنها بسیار محدودتر هم شد. بخش بزرگی از

اینان، زرتشتیانی بودند که زندگی خود را از طریق کشاورزی می‌گذراندند. یهودیان نیز می‌بایست در قم زندگی می‌کرده‌اند، اما اطلاعات کمی از آنها در دست است.

این کاملاً مشهود است که اشعری‌های قدرتمند سابق، در پایان قرن چهارم موقعیت و مقام رهبری خود را از دست داده بودند. و این مسئله از وضع جدید اجتماعی که در آن فارس‌ها هم در مسائل مربوط به منطقه، مانند اعراب، نقش داشتند، قابل درک است.

از آن زمان تا پایه ریزی حکومت سلجوقیان اطلاعات کمی در دست است.

در سال ۹۹۷ / ۳۸۷ قم درگیر یکسری از نزاع‌های داخلی میان آل بویه شد که منجر به محاصره ناکام شهر گردید. در سال ۲۸-۱۰۲۷ / ۴۱۸ قم در دست حکومت آل کاکویه افتاد و چند سال بعد جزئی از مناطق تحت سیطره غزنویان شد.

سلجوقیان به یکباره شهر قم را اشغال نکردند و شهر و جبال را به مدت ده سال به دست آل کاکویه گذاشتند. از سال ۵۱-۱۰۵۰ / ۴۴۲ به بعد شهر تحت فرماندهی سلجوقیان بود و در مورد سرنوشت آن تا سال ۱۰۹۴ / ۴۸۷ و آن چه بر آن گذشت اطلاعاتی در دست نیست. بعد از آن به دلیل بالا گرفتن بی‌ثباتی در امپراطوری سلجوقی، شهر قم محل درگیری‌های شدید بین جناح‌های رقیب سلجوقی در جبال شد و چندین بار بین آنها دست به دست گردید.

جالب است که قم در طول دوره سلجوقیان از وضعیت اقتصادی نسبتاً خوبی بهره‌مند بوده است. با وجود این که سنیان با سختگیری زیاد به شدت با شیعیان مخالفت می‌کرده‌اند، اما آنها موفق به بکارگیری یک نوع سیاست عملی شدند و همان طوری که منابع هم گزارش کرده‌اند در پی آن، رابطه خوبی بین وزیر معروف، نظام‌الملک و سلاطین سلجوقی از یک طرف و اعضای طبقه علما و خانواده‌های اصیل محلی دیگر برقرار شده بود. طبق گزارشات تاریخی، سلاطین سلجوقی از حرم حضرت معصومه دیدن کرده‌اند و در کل هیچ مجازات کیفری مذهبی‌ای بر ضد اهالی قم گزارش نشده است.

در دوران حکومت سلجوقی تعداد قابل توجهی بنای مذهبی در قم ساخته شد. حداقل ده مدرسه با نام‌های مشخص شناخته

اداره محلی می‌بایست دوباره شروع به فعالیت کرده باشد. خانواده اصلی و قدرتمند شهر در آن زمان خاندان فتحان بود.

چهار. جغرافیای اقتصادی قم

قسمت اعظمی از این بخش، به طور کامل بر اساس اطلاعاتی است که در کتاب تاریخ قم آمده است. در نخستین مبحث، از اطلاعات منابع جغرافیایی که دوره قبل از تألیف کتاب تاریخ قم را پوشش می‌دهد، استفاده شده است.

نسلی از منابع کلاسیک جغرافیایی مشهور اصولاً در گزارشات خود به چند جنبه خاص می‌پرداختند: ۱. وضع آب رضایت بخش بود و از روش‌های آبیاری هم استفاده می‌شد. ۲. خاک کیفیت خوبی داشت و مقدار زیادی محصولات هم از آنها استحصال می‌گردید. ۳. هنرمندان صنایع دستی در قم اشیایی مثل صندلی و چیزهای دیگری را تولید می‌کردند. ۴. تربیت شتر و گوسفند احتمالاً در قم وجود داشته است. ۵. مالیات در مبالغ مختلفی از چهار و نیم میلیون درهم در سال ۸۹۰ تا ۱ میلیون درهم در سال ۹۹۰ متغیر بود. (عمدتاً به این شکل نوشته شده است).

توضیحی برای این که چرا منابع تاریخی تا این قدر با هم متفاوتند، وجود ندارد و دلایل این تفاوت‌ها به صورت حدس و گمان باقی می‌ماند.

در مقابل، کتاب تاریخ قم به طور کامل جزئیات وضع کشاورزی و مالیات‌ها را شرح می‌دهد. یکی از جنبه‌های مهم و حیاتی تاریخ قم آبیاری در آن شهر است. کانال‌های آبیاری می‌بایست قبل از دوران ظهور اسلام هم وجود داشته باشند؛ اما به نظر می‌رسد که سیستم آبیاری بعد از سقوط امپراطوری ساسانیان تغییر کرده است. مهاجران اشعری قنات‌ها را ترمیم کردند و روی هم رفته بیست قنات جدید نیز احداث کردند. این فرایند از اولین نسل اشعری‌ها آغاز و تا نسل پنجم آنان ادامه یافت. کار دشوار و فنی ساخت قنات احتمالاً توسط فارس‌هایی که از نسل خانواده‌های سازنده قنات بوده‌اند، انجام شده است. این قنات از حلقه‌های رسی ساخته شده بود.

محل دقیق منبع تأمین‌کننده آب آنها قابل تشخیص نیست، اما هر چه بود آب مورد نیاز شهر را افزایش می‌دادند. به نظر می‌رسد که در ابتدا از آنها برای آبیاری کشاورزی استفاده می‌شده است. امتیاز آب در دست سازندگان اشعری بود. دو لیستی که در سازمان آب وجود داشت، به طور دقیق سهم‌های آب را مشخص می‌کرد. تنها یک پنجم از آب قابل دسترس برای همگان بوده است، در حالی که اکثر مالکان اشعری می‌توانسته‌اند

شده است. دو مسجد جمعه در دوره سلجوقی وجود داشته است: مسجد قدیمی بازسازی شد و یک مسجد جدید در سال ۳۴-۱۱۳۳ / ۵۷ به دستور سلطان طغرل دوم در خارج از محدوده شهر بنا شد. به نظر می‌رسد که قم در دوران سلجوقی گسترش یافته باشد، اما دلایل دقیق موفقیت آن مشخص نیست. خانواده‌ای از علویان حسینی در آن دوره قدرت و نفوذ زیادی داشتند و تعدادی از نقبای علویان در جمع آنان بودند.

خانواده شیعی مهم دیگر خانواده دعویدار بودند که اعضای آن در شهر قاضی بودند که این خود نشان‌دهنده تغییر قم از وضعیت شهری است که پیش از آن توسط سنیان اداره می‌شد، به یک شهر کاملاً شیعی است. حکومت‌های بعدی یعنی ایلدگ‌ها و خوارزمشاهیان که برای مدت تقریباً سی سال برپا بودند، سیستم‌های مختلف حکومتی را در فاصله کم جانشین یکدیگر کردند. جدا از کشته شدن نقیب سادات توسط خوارزمشاه در سال ۱۱۹۶ / ۵۹۲ کارهایی که روی کاشی‌های حرم شده، در همین سال‌ها قابل توجه است (احتمالاً در سال ۱۲۰۸-۱۲۱۷ / ۶۰۵-۶۱۴) که این نشان‌دهنده کامیابی اقتصادی معین در آن دوران-درست در زمانی که مناسبات سیاسی بی‌ثبات بود-می‌باشد.

حمله مغولان در سال ۱۲۲۴ / ۶۲۱ به نابودی کامل شهر قم منجر شد و تا بیست سال بعد از آن شهر به همان صورت مخروبه باقی ماند. طبق منابع، در آن زمان مالیات‌های زیادی نیز بر شهر وضع شد. گزارش‌هایی مبنی بر ساخت و بازسازی مقبره‌های اولیای شیعی در بیست سال دوم بعد از حمله مغول در منابع وجود دارد که احتمالاً توسط ساکنان متمکن شهر انجام شده باشد. در سال ۱۲۸۴ وزیر معروف ایلخانیان، شمس‌الدین جوینی به حرم حضرت معصومه پناه برد و این آخرین گزارش تاریخی از این شهر است که در این اثر از آن سخن رفته است.

منابع زیادی گزارش داده‌اند که قم در طول حکومت ایلخانان به صورت یک شهر مخروبه باقی ماند، اما نگاهی دقیق‌تر آشکار می‌کند که شهر قم می‌بایست دوران نسبتاً بهتری را نسبت به قبل تجربه کرده باشد. علاوه بر بازسازی احتمالی دیوارهای شهر، چهار مقبره اولیای شیعی شهر در بین سال‌های ۱۳۰۱ / ۷۰۱ تا ۱۳۶۵ / ۷۶۷ ساخته شدند. همچنین یک سد نیز در دوران ایلخانان ساخته شد و همان طوری که نام قاضی نشان می‌دهد،



سهم خود را با سود بالا بفروشد و بنابر این به ثروتمندترین طبقه مردم قم تبدیل شده بودند. این سیستم تا سال ۹-۹۵۸ ادامه پیدا کرد. تغییرات در امتیاز آب احتمالاً در زمان حاکم بویه، مؤید الدوله انجام شد که بیشتر حالت مصادره (از یک گروه برای گروه‌های دیگر) داشت. این مسئله باعث نوعی کاستی در کل سیستم آبیاری شد. با وجود تلاش‌هایی که برای لایروبی قنوات در سال ۲-۹۸۱ انجام شد، ولی تنها در سه قنات از ۲۱ قنات اصلی آب جریان داشت که البته برای آب آشامیدنی مردم کافی بود، اما این مقدار نمی‌توانست برای اهداف کشاورزی کافی باشد. مبحث بعدی درباره کشاورزی است. کتاب تاریخ قم صریحاً به این موضوع پرداخته است، اما به طور غیر مستقیم و در ارتباط با توضیحاتی که در مورد وضع مالیات‌ها داده، به آنها اشاره‌ای دارد. تاریخ قم وضع بدی را برای کشاورزی پیش از ورود اشعریان تشریح کرده است؛ هر چند که به نظر درست نمی‌آید، مشکلات کشاورزی در این دوره احتمالاً ناشی از افول قنوات، پس از برافتادن امپراطوری ساسانی بوده است. بهبود وضع آبیاری منجر به بهبود شرایط کشت شد و قراردادهای مالیاتی، سی نوع گیاه و محصول را برای اهداف مختلف کشاورزی ذکر کرده‌اند که به نظر می‌رسد در همه نقاط کشت می‌شده‌اند. چنین به دست می‌آید که وضعیت کشاورزی در قم مشابه سایر نقاط ایران بوده است.

در مورد پرورش حیوانات، آسیاب‌ها، معادن و استخراج نمک، توضیحات کمی در تاریخ قم آمده است. هر چند در مواردی به طور غیر مستقیم از اسب، شتر، گوسفند، گاو، میمون و بز به عنوان حیوانات خانگی نام برده است. شمار حیرت‌انگیز آسیاب‌هایی که در سال ۹-۹۸۸ / ۳۷۸ در قم وجود داشته‌اند، ۵۱ عدد است، که همه آنها با آب کار می‌کرده‌اند و در کنار قنوات قرار داشته‌اند. البته یازده عدد از آنها فعال نبوده‌اند. افسانه‌هایی نیز در مورد رسوبات معدنی و معادن نقره، آهن، طلا و سرب گفته شده است؛ در حالی که احتمالاً کردها نمک را از دریاچه‌ای در حومه قم استخراج می‌کرده‌اند. همچنین مطلبی در مورد هنرمندان صنایع دستی گفته نشده است؛ اما از اشاراتی که در منابع دیگر به ساختن صندلی، افسار و پارچه شده است، می‌توان نتیجه گرفت که این‌ها وجود داشته‌اند. مالیات و خراج یکی از جنبه‌های مهم تاریخ قم است. همان طوری که در تاریخ قم هم به طور کامل به آن پرداخته شده است، همه ساکنان شهر مشمول پرداخت مالیات‌ها می‌شده‌اند. دو مرحله متفاوت در شیوه مالیات‌ها قابل تشخیص است: در مرحله اول مالیات‌ها توسط مأموران مالیاتی عباسیان و در

دومین مرحله توسط جنگجویان دیلمی جمع‌آوری می‌شده است که به نظر می‌رسد بدتر از عباسیان بوده‌اند؛ چرا که حاکمان آنها مستبدتر بوده‌اند. این جریان باعث فقیر شدن گروه زیادی از ساکنان شد.

نگاهی دقیق به مالیات‌ها، تفاوت آشکاری را بین مالیات‌ها نمایان می‌کند. جدا از مالیات‌های عادی و اداری مانند خراج، زکات و جزیه، ۲۴ نوع مالیات دیگر نیز ذکر شده‌اند که پایه شرعی هم نداشته‌اند و فقط در راستای گرفتن پول بیشتر از مالیات‌دهندگان بوده است.

در بحثی که در مورد سطح مالیات‌ها شده است، مهم‌ترین معضلی که با آن مواجه می‌شویم این است که بیشتر این مالیات‌ها با نام خراج از مردم گرفته می‌شدند که مهم‌ترین و سنگین‌ترین مالیات بوده است. همچنین در بحث تعیین مالیات‌ها در منابع، تفاوتی بین سطح مالیات‌های واقعی که گرفته می‌شد با مبالغی که قرار بود گرفته شود گذاشته نشده است. هر چند که تغییر مقدار ۱۸ شاخص مالیاتی شناخته شده در یک دوره زمانی صد و شصت ساله رخ داده، اما مقایسات فقط می‌تواند در مورد بیست و چهار سال از آن انجام شود؛ چرا که اطلاعات سال‌های دیگر کامل نیست.

تفاوت فاحش بین شاخص‌های مالیاتی، شگفت‌آور است: آنها از ۸ میلیون تا ۲ میلیون بوده‌اند، اما با اطمینان نمی‌توان گفت که شاخص‌هایی که در منابع (نه در تاریخ قم، بلکه در دیگر جغرافی‌شناسی‌های اسلامی) گزارش شده‌اند، صحیح باشند. در بیشتر موارد هدف از نقل شاخص‌ها تنها بهانه‌ای برای دلیل جمع‌آوری آنها بوده است، نه برای صحبت از خود مالیات جمع‌آوری شده. در دوره بیست و چهار ساله بین سال‌های ۸۶۵ تا ۹۱۹ (۲۵۱-۳۰۷) شاخص‌ها با دقت گزارش شده‌اند و تفاوت‌های فاحش را نشان می‌دهند؛ هر چند که در این سال‌ها نیز مقدار عادی و معمول مالیات ۳ میلیون دره‌م بوده است. تقریباً همیشه مقدار دقیق مالیات‌ها با آنچه از طرف حکومت تعیین می‌شد، فرق داشته است، اما دلایل این امر هم گفته نشده است. فساد، مالیات‌های زیاد و مالیات‌هایی که حذف می‌شدند یا از قلم می‌افتادند، از جمله دلایل احتمالی این مسئله می‌باشند.

مهم‌ترین مالیاتی که در قم جمع می‌شد، خراج بود. ریشه

شغل دشواری مشتاق بوده است و چرا اشخاص این وظیفه را متقبل می شده اند. همچنین در مورد ارتباط بین عامل مالیاتی (اداره ای که هنوز وجود داشت) و جهبذ اطلاعاتی در دست نیست. بعدها از زمانی که دیگر خلفا بر قم کنترل نداشتند، عمال توسط آل بویه انتخاب می شدند. در مورد آنها و دیگر وظایف اداره مالیاتی اطلاعاتی وجود ندارد.

در اداره مالیاتی، کاتبانی بودند که کنترل زیادی روی امر مالیات داشتند. همچنین کارگران فنی با عنوان مساح بودند که کارشان تعیین مساحت زمین برای تعیین مالیات می بود.

خراج از مبالغ جداگانه فراوانی تشکیل شده بود که بر اساس سنجش زمین توسط مساحی که کارش اندازه گیری زمین بوده و در اختیار عامل بود، تعیین می شد. این سنجش مهم ترین قسمت برای تعیین مالیات بود. زمین بر طبق معیارهای محلی و گیاهان و محصولات کشاورزی موجود در آن و قیمت آنها سنجیده می شد.

زمین ها بر اساس شیوه های مختلفی دسته بندی می شدند (املاک دولتی، املاک خصوصی، زمین های فارس ها و اعراب). دو دسته از زمین ها مالیات نداشتند: زمین های وقف و ایغار. سپس نتایج مساحی و سنجش ها ثبت می شد و مالیات آنها تعیین می گشت. در بین سال های ۸۰۴ تا ۹۳۰ یازده مساح در قم وجود داشتند که دو تن از آنها در بین مردم شهر شهرت زیادی یافتند.

«وضیعه» به آئین نامه مالیات ها اطلاق می شد، اما معنی دقیق آن مشخص نیست. از لحاظ فنی احتمالاً به معنی تعیین تمامی محصولات معیار توسط عامل در جدولی از مبالغ مالیاتی بود. این جداول اساس تعیین مالیات های سالیانه به شمار می رفت. در مورد هفت وضیعه اطلاعاتی موجود است، اما تاریخ قم نه تاریخ و نه اطلاعاتی درباره افرادی که در آن مشغول به فعالیت بودند، نداده است و فقط گزارش هایی در مورد تعیین مبالغ محصولات معیار آورده است. سه چیز قابل توجه است: ۱. فقط سه وضیعه کامل به نظر می رسند. ۲. در طول زمان می توان افت شاخص هایی را که با خراج شناخته شده، همزمان هستند، مشاهده کرد. ۳. مالیات زرتشتی ها با بقیه مالیات ها متفاوت بود که نشان می دهد بسیاری از دهقانان هنوز زرتشتی بودند (تعداد زیادی از آنها دو برابر مالیات ها پرداخت می کردند).

دو مالیات دیگر صدقه و جزیه بودند که هر دو نسبت به خراج از اهمیت کمتری برخوردار بودند. صدقه (یا زکات) فقط از گله داران صحرائنشینی گرفته می شد که در بقیه موارد مالیات بسیار

این مالیات به دوران پیش از اسلام باز می گردد و به معنای مالیات زمین ها بوده است، اما جایگاه واقعی و دقیق آن در سیستم مالیاتی اسلامی، در میان علما محل بحث بوده و در مکاتب مختلف فقهی، متفاوت است. استفاده از خراج معمولاً به نیازهای محلی بستگی داشته است. گزارش هایی که در تاریخ قم آمده است، وجود خراج را دست کم از دوره پیش از ساسانیان (قبل از برپایی حکومت اسلامی) نشان می دهد. تا قبل از انقلاب عباسیان احتمالاً خراج توسط اصفهان جمع آوری می شده است. بعد از تغییر کامل سیستم مالیاتی و نابودی آن که تا ۵۱ سال هم ادامه داشت، یک اداره مالیاتی در قم همزمان با استقلال اداری و حکومتی منطقه از اصفهان، پایه گذاری شد.

در مورد این اداره مالیاتی جدید و متفاوت در تاریخ قم توضیحاتی آورده شده است. نام بیست و چهار عامل مالیاتی به علاوه دو جهبذ در سال های بین ۸۰۴ تا ۹۸۸ لیست شده است. تا سال ۹۲۲ رئیس اداره مالی یک عامل بود، اما بعد از آن سیستم عوض شد و جمع آوری مالیات ها توسط جهبذ انجام می شد. سیزده نفر از عمالی که تا سال ۹۲۲ / ۳۱۰ تعیین شدند (و در دو مورد افراد برکنار شده) را می شناسیم. در بیشتر موارد عمال توسط شخصیت های مهم دولت عباسیان (که شامل خود خلیفه هم می شد) سر کار می آمدند و این نشان دهنده تأثیر زیاد بغداد بر مسائل مالی شهری مثل قم بود؛ شهری که کنترل و گرداندن آن بسیار مشکل بود.

سیستم جهبذ هم از طرف بغداد و توسط خلیفه مقتدر بالله و در پی درخواست کتبی مردم خود قم برای تخفیف در مالیات ها و جمع آوری آن، گذاشته شد. جهبذ در کل وظیفه میانجیگری را بعد از این که تلاش برای جمع آوری مالیات را توسط خود مالیات دهندگان شکست خورد، بر عهده گرفت. این مسئله یعنی آمدن جهبذ در بعضی موارد به نابودی تضمین کنندگان پیشین مالیات ها که وظیفه جمع آوری مالیات های زیاد را بر عهده داشتند، منجر شد. این شیوه توسط وزیر عبیدالله بن سلمان در سال ۸-۸۹۷ برچیده شد، اما بعدها جهبذی که به مدت یک سال دارای قدرت بود مجبور بود صحت جمع آوری مالیات ها را تضمین کند که حداقل برای خود جهبذ درآمد خوبی داشت. مشخص نیست که چه کسی برای داشتن چنین مقام و

کمتری می دادند. این مالیات فقط برای گاوها، شترها و گوسفندان به کار می رفت و کتاب تاریخ قم در مورد قوانین دقیق جمع آوری آن که در ارتباط با قوانین شرعی اسلام است، سخن می گوید. در سال ۸۹۳ / ۲۸۰ صدقه پنج درصد از کل مالیات ها را تشکیل می داده است. اخبار مربوط به جزیه حتی کمتر هم هستند و شاخص های دقیق مالیات هایی که توسط زرتشتی ها پرداخت می شده است، فقط برای سال های ۸۹۵-۹۰۰ آورده شده است. با این که کتاب تاریخ قم سؤال های فراوانی را پاسخ نداده است، اما به نظر می رسد که تعداد زرتشتی هایی که در قم و مناطق اطراف آن بوده اند، می بایست به چندین هزار نفر برسد که البته بعدها تعداد آنها به شدت کاهش یافت. مالیاتی که برای آنها تعیین شده بود، با بقیه مناطق ایران فرق می کرد. آنها سالیانه ۱۲ درهم می پرداختند، نه مانند شهرهای دیگر ۲۴ درهم.

تعداد بیشتری از انواع مالیات، در کنار سه مالیات مهم دیگری که ذکر شد به عنوان مالیات های رسمی در تاریخ قم ذکر شده اند که البته پایه شرعی نداشتند. این مالیات اضافی در راستای اهداف خاصی گرفته می شدند. تعدادی از آنها به هدف پر کردن خزائن دستگاه عباسی جاه طلب و بعدها برای ماشین آلات و ابزار جنگی دیلمیان و بویه گرفته می شدند. بعضی به خاطر مالیات های عقب افتاده قدیمی، و تعدادی برای جبران هزینه های اداری و یا رشوه دادن به مالیات گیرندگان پرداخت می شدند. مالیاتی برای جبران کاهش ارزش پول رایج و تعداد دیگری را هم نمی توان گفت برای چه گرفته می شدند.

روی هم رفته این بخش فساد اداره مالیات و هویت مستبدانه مالیات هایی را به تصویر می کشد که به دلخواه تعیین می شدند.

تقویم های مالیاتی در زمانی که کتاب تاریخ قم گزارش می دهد، چندین بار عوض شدند. قم برخلاف دیگر شهرهای ایران همیشه از تقویم شمسی و حتی نوع دیگری از تقویم محلی خود به نام تقویم یزدگری که مبدأ آن مرگ یزدگرد بوده، استفاده می کرده است. خراج ابتدا در ۱۲ و سپس در ۱۰ قسمت گرفته می شده که با اولین ماه سال شمسی فارس ها شروع می شده است. اما در زمان حکومت دیلمیان به یک سیستم جمع آوری ۹ قسمتی تغییر پیدا کرد. در سال ۹۳۵ / ۳۲۳ دوباره به ۱۰ قسمتی و در سال ۹۸۳ / ۳۷۳ بر اساس خواسته خود مردم به حالت ۱۲ قسمتی خود بازگشت. احتمالاً مالیات های دیگر هم به صورت ماهانه دریافت می شده اند.

به دلیل اهمیت مالیات ها، اسامی مناطق مالیاتی به همراه مالیاتی که پرداخت می کرده اند در کتاب تاریخ قم آمده اند. در حدود ۲۱ رستاق و ۹۰۰ دهکده ذکر شده اند که البته این آمار ممکن است، دقیق نباشد. مالیات های سال های ۸۹۷ / ۲۸۴ و

۱۵- ۹۱۴ / ۳۰۲ به طور دقیق آورده شده است که اطلاعات ارزشمندی درباره ذخایر و استعدادهای مالی آنها به دست می دهد.

کتاب تاریخ قم به عنوان مهم ترین منبع، همچنین گزارش های جالبی در مورد مشکلات حکومتی و جنبه های روانشناسانه جمع آوری مالیات در بر دارد. پیشرفت دقیق جمع آوری مالیات قابل بازسازی نیست و بسیاری از مالیات های اضافه و قابل توجه، دانش ما در مورد فرایند تکنیکی و تخصص جمع آوری مالیات را مغشوش می کند. تاریخ قم همچنین اطلاعات جالبی در مورد افرادی که از دادن مالیات به جمع کنندگان آن سر باز می زده اند به دست می دهد که البته تعداد آنها محدود است.

اطلاعات جغرافیایی موجود از دوران هایی را که کتاب تاریخ قم پوشش نداده، بسیار اندک است. از سال ۹- ۹۸۸ / ۳۷۸ تا ۱۳۵۰ / ۷۵۱ تنها یک منبع (الادریسی) وجود دارد که وقایع مهم قم را شرح داده است، هر چند که مشکوک به نظر می رسد که مؤلف آن، منابع موثق و معتبری را در اختیار داشته است. او بیشتر بر آبیاری و باغ ها و تاجرانی که در شهرکی زیبا و ثروتمند با دیوارهای کاهگلی زندگی می کرده اند، تأکید می کند.

از دوران ایلخانان جزئیات مهم تری در منابع ذکر شده است. در حدود سال ۱۲۶۰ / ۶۵۹ اولین مورد اخذ مالیات بعد از حمله مغول شناخته شده است. وضعیت کشاورزی به همراه کشت محصولات مختلف و ذخیره آب مناسب مجموعاً قابل قبول ارزیابی شده است. در مورد سیستم آبیاری شهر در این زمان اطلاعاتی در دست نیست، اما مشخص است که در حوالی شهر سدی در همین دوران ساخته شده است. بار دیگر داستان ها نشان از وجود منابع معدنی دارد.

مالیات ها در زمان قبل از مغول ها مشخص است. قم حدود چهل هزار دینار می پرداخته است؛ اما مسئله قابل توجه این است که تعدادی مناطق روستایی اطراف قم به اندازه ساکنان قم و یا حتی بیشتر از آنها مالیات می پرداخته اند. ساختار این مناطق هم عوض شده بود.

در این دوره فعالیت های ساختمانی گزارش شده اند و ساختمان ها نوعاً از رس و آجرهای سنگ بوده اند. همه این اطلاعات نشان دهنده این است که احتمالاً قم در عصر ایلخانان یک شهر مخروطی و کم جمعیتی نبوده است.

